

سیر تحول فرهنگی در زیورآلات هندوستان از عهد باستان تا دوران استعمار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

زهرا مهدی پور مقدم^۲
شهریار شکرپور^۳

چکیده

زیورآلات؛ رسانه‌ای که نه تنها، بازتابی از توانگری، بلکه به عنوان یکی از کهن‌ترین عناصر فرهنگی-تمدنی هر اجتماعی به شمار آمده است. در این راستا، زیورآلات هندوستان، صرف نظر از جنبه‌ی زیبایی، دارای ارزش نمادینی بوده و با نقش مایه‌ها و مؤلفه‌هایی که، ریشه در باورها و مناسبات فرهنگی جامعه‌ی متکثر آن داشته، بیانگر سنت، هویت تاریخی و فرهنگ غنی شبه قاره می‌باشند. بنابراین، در این پژوهش برآنیم تا با مطالعه‌ی تاریخی آنها، به مؤلفه‌های شکل دهنده‌ی آن بپردازیم که، روابط فرهنگی چگونه در تولید زیورآلات هندوستان بروز پیدا کرده است؟ هدف، شناخت و تبیین جریان‌های فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات هندوستان و نیز دستیابی به اصلی‌ترین و مهم‌ترین عناصر و بن‌مایه‌های آن، بوده است. یافته‌ها، به روش توصیفی-تحلیلی محتوا انجام گرفته‌اند که بیان می‌کنند، مؤلفه‌هایی برگرفته از فرهنگ‌ها، یعنی، حضور عناصر فرهنگ «مغولی (هندو-اسلامی)»، «بریتانیا»، «ایرانی» و «یونانی» عهد باستان در قالب بن‌مایه‌هایی سازنده در شکل‌گیری صورت زیورآلات هندوستان اثرگذار بوده‌اند. این مؤلفه‌ها به عنوان جنبه‌ی ذاتی فرهنگ شبه قاره، سبب شده تا محتوای زیورآلات علاوه بر فرهنگ بومی، مدیون حضور فرهنگ دیگری نیز باشند. در واقع، زیورسازان هندی، همواره زیورآلات را به یاری مؤلفه‌هایی شکل داده‌اند که عناصر و مفاهیم خود را از بافتارهای فرهنگی جامعه به عاریت گرفته است. جامعه‌ای با حضور هم‌زمان فرهنگ‌های مختلف که، اصولاً این فرهنگ‌های پیشین در هندوستان حذف نشده، بلکه نوعی امتداد در بطن تحولات تاریخی-فرهنگی آن وجود داشته است.

واژه‌های کلیدی: روابط فرهنگی، زیورآلات، هندوستان، تحولات تاریخی.

1-DOI: 10.22051/JJH.2023.42859.1933

این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده اول با عنوان "گفتگو مندی ترافرنکی در زیورآلات معاصر هندوستان (۱۹۹۹-۲۰۲۰ میلادی)" است.

۲- زهرا مهدی پور مقدم، دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول.

z.mehdypour@tabriziau.ac.ir

۳- شهریار شکرپور، استادیار دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

sh.shokrpour@tabriziau.ac.ir

مقدمه

از زمان شکل‌گیری جوامع متمدن بشری، هنر زیورسازی، جزء جدانشدنی از فرهنگ‌های جوامع بوده و آن را «نمایشگری بزرگ دانسته که نه تنها، بازتابی است از جایگاه ثروت، بلکه تغییرات فرهنگی» (بلالی مقدم، ۱۳۹۲: ۳۴) را نیز بازگویی نماید. در این بین، زیورآلات هندوستان که قدمت استفاده از آن به بیش از ۵۰۰۰ سال پیش می‌رسد (Bala, 2001: 12) موجب افزایش زیبایی و توانگری بوده، به نوعی بیانگر مفهوم تقدس و اعتقادات (Kaur, 2012: 2) آنان و نیز، قدرت و سلامتی را برای صاحبان خود به ارمان می‌آورده است (Khalid, 2015: 35). در واقع، برخلاف مفهوم واژه‌ی زیور در فرهنگ لغاتی از جمله فرهنگ فارسی معین؛ که آن را چیزی دانسته که بدان آرایش و زینت کنند (معین، ۱۳۶۴، ج. ۲: ۱۷۷۳)، در هندوستان، معنای آرایش صرف نداشته است. در این راستا، «Alamkara» (Dave, 2013: 2)؛ واژه‌ای در زبان سانسکریت هندی که ریشه‌ی آن به دوره‌ی ودایی برمی‌گردد معنایی فراتر از مفهوم آراستگی دارد. لذا با توجه به این مفهوم، قابل ذکر است زیورآلات، دارای ارزش نمادینی بوده که ریشه در باورها و «هم‌سو با اعتقادات فرهنگی و دینی» (یاقوتی، دادور، ۱۳۹۹: ۹۹) جامعه‌ی متکثر هندوستان داشته‌اند. همان‌گونه که آنانداکوماراسوامی^۱ نیز معتقد است: «اهمیت هنر هندی به واسطه‌ی مفهومی است که با خود به همراه دارد» (URL۵). بنابراین، زیورآلات شبه قاره به ویژه زیورآلاتی از فلز طلا^۲ به همراه نقش‌مایه‌هایی نمادین، از سنت، فرهنگ غنی و تغییراتی که در ادوار مختلف تمدن این سرزمین ایجاد شده، صحبت می‌کنند. در واقع، «متن زیورآلات به عنوان یکی از ساختارهای هنری به مثابه‌ی درون‌مرزهایی است که عناصر و مفاهیم خود را از برون‌مرزهای پراکنده در شبکه‌ی گسترده‌متنی، فرهنگی و اجتماعی به عاریت گرفته است» (چیت‌ساز، ۱۳۹۸: ۳). لذا، شناخت و تبیین این جریان‌های فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات و نیز دستیابی به مهم‌ترین بن‌مایه‌ها و اصلی‌ترین عناصر آنها را می‌توان از اهداف اصلی این پژوهش برشمرد. بنابراین، در مطالعه‌ی تاریخی زیورآلات که؛ قدمتی

به اندازه‌ی تمدن آن دارد، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که روابط فرهنگی چگونه در تولید زیورآلات هندبروز پیدا کرده است؟

روش پژوهش

این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی محتوا، بر مبنای مناسبات فرهنگی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام گرفته، به فرآیندهای فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات هندوستان از عهد باستان تا استعمار، پرداخته است. در این پژوهش سعی شده با رعایت ترتیب تاریخی شکل‌گیری حکومت‌ها به بررسی نقش فرهنگ در موجودیت یافتن زیورآلات در سه بخش: باستانی، قرون وسطایی و استعمار پرداخته شود. لازم به ذکر بوده اگرچه، تاریخ‌گذاری زیورآلات عهد باستانی هندوستان کاری بس دشوار است؛ از یک سو، سبک‌ها و طرح‌ها در هر دوره با تغییراتی اندک به حیات خود ادامه داده (Bala Krishnan, 2001: 19) و از سویی دیگر، در ادوار تاریخی، اغلب زیورآلات برای استفاده‌ی مجدد، ذوب و یا توسط اقوام مهاجم، غارت و تخریب شده‌اند. لذا با توجه به عدم وجود مدارک مستند در این زمینه، می‌توان گفت موثق‌ترین شواهد برای شناخت زیورآلات ادوار اولیه عهد باستانی، در مجسمه‌ها، نقاشی‌های دیواری و متون کهن آن یافت می‌شود. بنابراین، برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعاتی در این پژوهش، بر مبنای راهبردهای نمونه‌گیری هدفمند آثاری از ایالت‌های گوناگون هندوستان و صرفاً از جنس فلز طلا؛ به دلیل جایگاه آن نزد هندیان، گزینش شده که در نهایت تعداد ۹ نمونه از برجسته‌ترین آنها، به عنوان پیکره‌ی مطالعاتی انتخاب و بررسی می‌شوند.

پیشینه پژوهش

در این حوزه با دو گروه مطالعاتی مواجه هستیم؛ گروه اول، در زمینه زیورآلات هندوستان، و گروه دوم، مطالعات فرهنگی. که با توجه به آن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد کتابی است به قلم کریس بارکر (۱۳۹۶) که بیان می‌کند، فرهنگ از جمله مفاهیمی است که انسان بدون آن، قادر به انجام کاری نیست، انسان خود محاط در فرهنگ می‌باشد و در هر جایی از آن بهره می‌جوید. زیورآلات هندی کتابی از اسکار. تی برانسون (۱۳۹۱)، که در آن تنها به مواد، شیوه ساخت زیورآلات و کارگاه‌های آن از ۱۸۷۰-۱۹۷۰م پرداخته شده است. این کتاب ابتدا در سال ۱۳۸۹، تحت عنوان زیورآلات هندی و سرخیوستان قاره آمریکا در ایران ترجمه و به چاپ رسیده بود. مطالعات فرهنگی عنوان کتابی که توسط کریس روجک (۱۳۹۰) نگارش شده، نویسنده در این اثر به بررسی مفهوم فرهنگ و بازنمایی چگونگی مطالعات فرهنگی از طریق رسانه‌ها می‌پردازد. «زنان و زیورآلات؛ جنبه‌های سنتی و مذهبی تزئینات^۲» عنوان مقاله‌ای که توسط پرابجوت کائور^۴ (۲۰۱۲) نگارش شده که به دلایل توجه زنان به زیورآلات، اهمیت فلزات و نیز کاربرد آنها نزد هندوها و مسلمانان پرداخته است. زیورآلات هندی، رقص طاووس^۵ که توسط میرا سوشیل کومار^۶ و اوشا رامامروتام بالاکریشن^۷ (۲۰۰۱) گردآوری و تدوین شده، به تحلیل زیورآلات هند از دوره‌ی باستان تا عصر مغولان هند پرداخته که به طور کلی، جایگاه نقوش؛ از جنبه باستانی، آئینی و اساطیری مورد توجه بوده است. زیورآلات هندی عنوان کتابی است از موهان لعل نیگام^۸ (۱۹۹۹) که، به بررسی و توصیف فرم و تغییرات زیورآلات در دوره‌ی باستان به ویژه جواهرات تمدن موهنجودار^۹ و پرداخته است. در نتیجه، با بررسی پژوهش‌های فوق‌الذکر مشخص شد که عمده پژوهش‌ها به مواد و تکنیک ساخت زیورآلات پرداخته‌اند، و تاکنون پژوهشی در راستای تحلیل نقش مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات هندوستان انجام نگرفته است.

مبانی نظری

فرهنگ

اصطلاح فرهنگ، مفهوم پیچیده‌ای است «یک سیستم معنایی آموخته‌شده که شامل الگوهای از سنت، باور، ارزش‌ها و هرگونه عادات دیگری که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست آورده، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (Toomy, 2012: 16). لذا در مفهوم کلی، روش زندگی گروهی از مردم بوده که الگوهای رایج تفکر و رفتارشان را در بر می‌گیرد و از طریق آموختن و نه از راه توارث زیستی انتقال می‌یابد. بنابراین، فرهنگ محصول حیات جمعی است که بر اساس آن، جامعه‌ی انسانی شکل می‌گیرد و در طول زمان و با تغییر نسل‌ها، دستخوش دگرگونی می‌گردد (اهتمام، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۳). لذا، آنچه در جامعه‌ی هندوستان مورد توجه بوده، حضور هم‌زمان فرهنگ‌های مختلف است؛ که این فرهنگ‌ها همچنان در بطن تحولات و تغییرات تاریخی فرهنگی هند امتداد (رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۹۳) یافته‌اند. همان‌گونه که هندوستان سرزمینی از فرهنگ‌های مختلف با مردمان متفاوت است، می‌توان جنبه‌های بسیاری از فرهنگ این سرزمین را در زیورآلات آن نیز مشاهده کرد.

مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری

زیورآلات هندوستان

زیورآلات دوران باستانی هندوستان

• تمدن دره‌ی سند^۱

در این زمینه، نخستین نمونه‌ها را می‌توان در آثار به جای مانده‌ی شهرهای هاراپا^{۱۱} و موهنجودار و از تمدن دره سند (۲۵۰۰-۱۸۰۰ ق.م) مشاهده کرد. از مهم‌ترین آنها، گردن‌بندی مهره‌ای از هاراپا (تصویر ۱) است که محبوبیت این نوع زیور را در عهد باستان نشان می‌دهد. به‌طور کلی، نزد آنان، مفتول و یا ورقه‌های طلای ساده و نیز زیورآلاتی از سنگ‌ها و مهره‌ها بسیار مورد توجه بوده‌اند. می‌توان گفت، بیشترین تولید زیورآلات مهره‌ای عهد باستان متعلق به این دوره می‌باشد (Rani, Singh, 2013: 87). ناگفته نماند انواع دیگر زیورآلات آنان نیز، معمولاً ساده و بدون نقش مایه رواج داشته است.

• دوره ودایی

در ۱۷۰۰ ق. م، فاتحان جدید؛ آریاییان، تمدن دره سندرا نابود و با خود، دینی به هندوستان آوردند (ایونس، ۱۳۸۱: ۱۵) که نزدیک به هزار سال بر زندگی و فرهنگ این سرزمین غالب بود. به گونه‌ای که، تفکر مذهبی حاکم شده و، ارتباط اغلب خدایان ودایی به نحوی از انحا با قوای شاخص طبیعی همچون خورشید، ماه و... مورد توجه بوده است (ذکرگو، ۱۳۹۴: ۳۳). این امر سبب شد که، توجهی هنرمندان نیز بیش از همه به تندیس‌های خدایان معطوف شود که، تقریباً همگی کارکرد جادویی و حفاظتی داشته‌اند (همان، ۱۳۸۵: ۲). لذا می‌توان نمونه‌هایی از زیورآلات این دوره را در پیکره‌های خدایان شان مشاهده نمود. در واقع، گنجینه‌ی تزیینی هند باستان پا به پای انواع نقش‌مایه‌های بومی خود حاوی تعدادی عناصر فرهنگ ایرانی و یا عناصری که از طریق ایران بدان رسیده (هالاید، گوتس، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۳) نیز بوده؛ نقش‌مایه‌های وارداتی همچون گل نیلوفر آبی؛ از سمبل‌های مهم میراث فرهنگی ایران (دادور، منصوری، ۱۳۹۰: ۲۱۰) که به نوعی تأثیرات هنر مذهبی آریایی را نشان می‌دهد.

• حکومت موریایی^{۱۳}

هنر تاریخی هند، با تشکیل سلسله‌ی پادشاهی «موریایی» توسط اسکندر یونانی در هند (ولایتی، ۱۳۹۳: ۱۴۹)؛ قرن سوم ق. م، آغاز شد. در زمان فرمانروایی آشوکا^{۱۳} (۲۶۹-۲۳۲ ق. م)، هنر هند در شیوه‌های مختلف شکوفا و نخستین دوره‌ی طلایی پادشاهی هند ضبط گردید (مرزبان، ۱۳۸۶: ۴۴). در واقع، اهمیت زیورآلات به گونه‌ای بوده که ابزار مورد نیاز جهت ساخت انواع زیور به دستور فرمانروا تهیه و به صنعتگران ماهری که توسط حکومت موریایی تعیین می‌شد، تحویل می‌دادند (Nigam, 1999: 1). به طور کلی اگرچه، روابط تجاری موریایی با سایر ملل و نیز، اشتراک و الفت گسترده و ژرف میان دولت هند و ایران (ولایتی، ۱۳۹۳: ۱۶۹) در هنر و صنعت آن عصر تأثیرگذار بوده، اما مشخصه‌ی زیورآلات بومی هند همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند^{۱۴}.

• عصر شونگا^{۱۵}

دوره‌ی شونگا (۱۸۴-۷۵ ق. م)، به نوعی دنباله‌رو سنت‌های زیورسازی ادوار پیشین به ویژه، موریایی بوده است. در این زمینه، زیور مواز جمله زیورآلات برجسته‌ی شونگا بوده که معمولاً برای آراستن موهای الهه‌ها به کار برده می‌شدند. آنها به شکل صفحه‌ای گرد با تزییناتی که جزء نشان‌های سلطنتی شونگا بوده (Bala Krishnan, Kumar, 2001: 62) به همراه رشته‌های مروارید، مهره و یا با نقش‌مایه‌ای برجسته از گل، کاربرد داشته‌اند. همچنین، یکی از قدیمی‌ترین زیورآلات یافت شده، یک جفت آویز گردن بند از ورقه‌های طلا است. در تصویر ۲، که یک مهره‌ی تخم مرغی شکل به طول ۵/۷ سانتی‌متر با دو آویز به همان اندازه در طرفین، با نقش‌مایه‌های گل نیلوفر آبی و برگ‌های درخت نخل را نشان می‌دهد، یکی از نمادهای فرخنده‌ی بودایی در عصر شونگا (ibid: 64) بوده که به عنوان آویزهای یک گردن‌بند به شمار آمده‌اند.

• هندو-یونانی

با ورود اسکندر به هند و تشکیل سلسله‌ی پادشاهی موریایی، به طور کلی تحولاتی در نقوش و شیوه‌ی ساخت زیورآلات هندوستان به ویژه در بخش‌های شمال غربی پدید آمد که تا پایان دوره‌ی کوشانی^{۱۶} (قرن اول - اواسط قرن چهارم میلادی) نیز ادامه داشت (URL1). به طور کلی سبک زیورآلات دوره‌ی موریایی متأثر از هنر بودایی آن بوده که می‌توان ترکیبی تکامل یافته از فرهنگ‌های هندی، یونانی و رومی، و حتی، ایرانی را نیز در یافته‌های باستان‌شناسی از شهرهای تاکسیلا^{۱۷} و سیرکاپ^{۱۸} مشاهده نمود (Nigam, 1999: 13). در واقع، برای نخستین بار این‌گونه با فرهنگ و هنر یونانی آشنا می‌شدند. اسکندر شهرهایی را برای سکونت سپاهیان خود در هندوستان بنا کرد که در میان سربازانش، زیورسازانی نیز حضور داشتند که زیورآلات را بر اساس سبک یونانی می‌ساختند. از سوی دیگر، یونانی‌ها اجازه داشتند در شهرهای تازه تأسیس خود، با زنان هندی از دواج کنند (URL4) که تمامی این عوامل، موجب تأثیرگذاری عقاید و فرهنگ یونانی بر ساختار اجتماعی هندوستان گردید. از آنجا که میل به زیورآلات از آغاز تمدن شبه‌قاره در میان

ساکنانش وجود داشته، این ارتباط با فرهنگ دیگری، و افزایش تقاضا برای کالاها به ویژه زیورآلات یونانی، صنعتگران هندی را واداشت تا نحوه ساخت آنها را فرابگیرند. از جمله‌ی آنها، گردن‌بند قالب‌گیری شده در تصویر ۳ بوده که ترکیبی از طلا، فیروزه و سنگ گارنت^{۱۹} را نشان می‌دهد. قالب‌گیری و نیز لحیم‌کاری بر این‌گونه زیورهای ظریف، توسط صنعتگران یونانی به هندیان معرفی شده که، در گذشته عموماً زیورآلات را در ابعاد بزرگ می‌ساختند و این چنین ظرافتی کمتر در هندوستان دیده شده بود (URL4).

همچنین، تعدادی سنجاق‌های برنزی به عنوان زیور مواز منطقه‌ی سیرکاپ به دست آمده که دلیل اصلی انتساب آنها به سبک یونانی، وجود نقش مایه‌های ایزدان و ایزدبانوان یونانی، همچون آفرودیت^{۲۰} بر سطح سنجاق‌ها می‌باشد. در میان آنها، النگوهای شیشه‌ای به رنگ آبی نیز بوده که می‌توان گفت احتمالاً با حضور صنعتگران یونانی، ساخت آن در هندوستان آسان‌تر و نیز ارزان‌تر شده است. البته، هندیان پیش از آمدن یونانی‌ها باروش تولید شیشه‌آشنایی داشتند، زیرا اولین نمونه‌های آن به قرن ۵ ق.م می‌رسد اما، چون ساخت آنها در شبه‌قاره پرهزینه بوده لذا حضور یونانیان را در تسهیل این امر مؤثر دانسته‌اند. در

این راستا نقوشی بدیع همچون؛ برگ‌های آکانتوس یاکنگر، نخل، تاک، طرح‌های طوماری، حیوانات در حال حرکت، ایزدان یونانی، و نیز فرم‌گلدان، سنگ‌های فیروزه و گارنت، نشان می‌دهند که چگونه هنر یونانی به آرامی در زیورآلات هندوستان نفوذ کرده است. (URL4).

• عصر گوپتا^{۲۱}

گوپتا (۳۲۰ ق.م - ۵۵۰ م)؛ سلسله‌ای در شمال، که در آن، تمدن هند باستان به بالاترین نقطه‌ی اوج خود رسید (Stronge, Smith, and Harle, 1988:138). در این دوره، استفاده از انواع زیورآلات با نقش مایه‌های بومی، بر همگان واجب بود به گونه‌ای که تمام بدن خود را با آن می‌آراستند، به ویژه برای فرمانروایان که استفاده از زیور سر جزء ضروریات آنها به شمار می‌آمده است (Nigam, 1999:21). در واقع، زیورآلات این دوره همانند ادوار پیش از نفوذ فرهنگ یونانی، با همان سنت بومی هندوستان به حیات خود ادامه داده‌اند. به طور کلی، در زیورآلات باستانی علاوه بر سنت‌های بومی، نفوذ فرهنگ ایرانی همچون گل نیلوفر، و یونانی قابل رؤیت بوده که نشانگر ساخت زیورآلات هندی بر مبنای فرهنگ‌های مختلف با مردمان متفاوت بوده که در کنار هم زیسته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات دوران باستانی هندوستان (نگارندگان).

گونه‌شناسی	تصویر ۱. گردن‌بند مهره‌ای طلا	تصویر ۲. آویز گردن‌بند طلا	تصویر ۳. گردن‌بند طلا، فیروزه و گارنت
دوره / مکان	تمدن دره سند، هاراپا	دوره‌ی شونگا، اوتار پرادش یا مادیا پرادش	هندو-یونانی، تاکسیلا، قرن اول م
محل نگهداری	موزه ملی دهلی نو	موزه‌ی هنر کلیولند، اوهایو	موزه‌ی ملی دهلی نو
منبع	Bala Krishnan, Kumar, 2001: 57	ibid: 64	ibid: 67
نمونه مطالعاتی			
مؤلفه فرهنگی	استفاده‌ی بسیار از مهره‌ها، فلزات، مفتول و یا ورقه‌های طلا به تناسب فرهنگ سنتی هندوستان.	رواج ورق طلا و رشته‌های مروارید بر مبنای فرهنگ سنتی و نیز کاربرد نشان‌های سلطنتی شونگا و هنر بودایی عصر موریا.	استفاده از طلا بر مبنای فرهنگ بومی. کاربرد برخی سنگ‌ها، زنجیرهای نازک، لحیم‌کاری و قالب‌گیری متأثر از فرهنگ یونانی.

زیورآلات دوران قرون وسطایی هندوستان

قرن هشتم میلادی با فتح سند توسط سپاه اعراب (سیاری، ۱۳۹۶: ۳۵) آغاز گردید. اگرچه، ابتدایی ترین تماس هندیان با مسلمانان از طریق اعراب بوده، لیکن این ارتباط اولیه در شکل گیری فرهنگ اسلامی در هندوستان تأثیر چندانی نداشته، بلکه هندیان، بیشترین تأثیر را از ایرانیان پذیرفتند (ذکرگو، ۱۳۷۲: ۱۳۱). در ابتدای این عصر و با حمله‌ی اعراب، نابسامانی‌هایی در وضعیت اجتماعی شبه قاره پدید آمد به گونه‌ای که، در هنر و صنایع آن نیز تأثیر گذاشته و سبب افول آن گردید (Nigam, 1999:24). در ادامه، تهاجمی دیگر این بار، در حدود قرن یازدهم میلادی، توسط محمود غزنوی مرزهای شمال و غرب هندوستان را تحت تأثیر قرار داد. اگرچه آنها در مناطقی، پایتخت غزنی خود را به همراه آرامگاه‌ها و... بنا کرده، ولی بیش از آبادانی، کشتار و ویرانی در هندوستان به همراه داشتند (پورجعفری، ۱۳۹۶: ۱۵). لذا این امر در کمبود منابع مرتبط با زیورآلات از آن زمان نیز اثرگذار بوده است. همچنین هجوم قومی دیگر به شبه قاره هند در ۱۱۴۹م که «سلاطین دهلی»؛ نخستین حکمرانان مسلمان در هندوستان، بوده‌اند نیز تحول چندانی در زیورآلات ایجاد نکرد. زیرا سخت گیری‌های مذهبی مسلمانان سبب شد تا سنن هنری هندو در جایی که نمی‌توانست با آن در افتد، جذب مذهب اسلامی شود؛ البته، این عقاید دینی بیش از همه در زمینه‌ی معماری و ساخت مساجد شکوفا بوده و لذا، از هنرهای صنایع هندیان، در این زمان چیز زیادی شناخته شده نیست (هالا، گوتس، ۱۳۹۱: ۵۲، ۶۲). در نتیجه، اشکال زیورآلات در دوره‌ی آغازین قرون وسطی، در قیاس با دوره‌ی پیشین، تحول چندانی نداشته است.

• حکومت چولا^{۲۳}

لیکن، در سوی دیگر و در تامیل نادو^{۲۴}؛ جنوب هند، به دور از سلطه‌ی مسلمانان، حکومت مقتدر چولا (در حدود ۹۰۰-۱۲۰۰م) توسط ویجایالا یا^{۲۵} شکل گرفت، که نقطه‌ی اوج در تاریخ جنوب هند به شمار می‌آید (URL6). آنچه در عصر چولا، بیش از همه مورد توجه بوده، تعداد بیشمار معابد سنگی و مجسمه‌های عظیم الجثه آراسته به انواع زیورآلات است. اهمیت

آن بدان حد بوده که تاجران و مورخان، گزارش‌هایی از پادشاهان و زنانی نقل کرده‌اند که زیورآلات بسیاری به تن داشتند که بدون کمک و همراهی، امکان حرکت و راه رفتن برایشان میسر نبود. همچنین، برخلاف زیورآلات باشکوه شمال هند، آنها اصولاً فاقد سنگ‌های قیمتی و میناکاری بوده و بیشتر تمایل به استفاده از زیورآلات تکرنگ طلا داشتند. به طور کلی در زیورآلات جنوب هند و در راستای توجه به معابد؛ اعتقادات مذهبی و بومی بیش از همه اثرگذار بوده که این امر در قرن چهاردهم میلادی، با تهاجم اقوام مسلمان شمال هند دستخوش تغییراتی گردید. (BalaKrishnan, 2001:91,95,97,107,109) (Kumar).

• حکومت مغولان در هندوستان

در آخرین دوران امپراتوری اسلامی در هندوستان، سلسله‌ی مغولان (۱۵۲۶-۱۸۵۷م)، یکی از باشکوه‌ترین امپراتوری‌های جهان در شمال هند (مجتبائی، ۱۳۸۹: ۱۳۵) پایه‌گذاری گردید که با پیشرفت‌های بسیاری در زمینه‌ی هنر و صنایع همراه بود. در این عصر، با استفاده از هنر و دانش در تلفیق فلزات، سنگ‌های گرانبها با رنگ‌های زیبای مینا، نوآوری در صنعت زیورآلات آغاز شد. اگرچه میناکاری پیش از آن در هندوستان رواج داشته (Ali, 2015:60) اما شکی نیست نقطه‌ی اوج این هنر در عصر مغولان بوده است. دیگر، زیورآلات ساده‌ی پیش برای رفع تمایلات زیبایی شناسانه‌ی درباریان مغول اقناع‌کننده نبود. آنان، هنرمندان، صنعتگران و گوهر تراشان ایرانی و نیز بومی را تشویق می‌کردند تا ایده‌های جدیدی را تحت حمایت دربار توسعه دهند (ibid:3). بدون تردید، هیچ حکومت دیگری در آسیا و اروپا به اندازه‌ی مغولان هند دارای زیورآلات نبوده (Carvalho, 2010:11) است.

لیکن در زمان اولین حاکم مغول؛ بابر، ساخت زیورآلات، چندان اهمیتی نداشت، و معمولاً زیورآلاتی را که غنیمت گرفته بودند، به درباریان خود می‌بخشیدند (URL3). همچنین، در آغاز حکومت پسرش همایون نیز این گونه‌بی توجهی وجود داشته است. لیکن زمانی که همایون به یاری سپاهیان قزلباش موفق به بازپس گیری حکومت خود شد، در

بازگشت از ایران، چند زرگر ماهر ایرانی را همراه با هنرمندانی دیگر، با خود به هندوستان برد (Ali Sayed, 2015:3,10). که این، آغاز دوره‌ی جدیدی از هنر و صنایع در دربار مغولان محسوب می‌شود. لیکن در دوره‌ای که اکبر، بر تخت نشست، ساخت زیورآلات هندوستان شکل دیگری به خود گرفت. از یک سو، وی، توجه خاصی به دوستی و حقوق مساوی هندوان و مسلمانان (مجتبائی، ۱۳۸۹: ۱۳۵) داشت، و از سوی دیگر در این دوره، هنر تیموری ترکستان و سبک صفوی ایران که مشتق از آن بود (هالاید، گوتس، ۱۳۹۱: ۶۱) رواج بیشتری یافت؛ در نتیجه، سبک زیورآلات دوره‌ی اکبر شاه تلفیقی از تأثیرات ایرانی و هندو بوده است. یکی از انواع زیورآلات که تأثیرات فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد، زیور عمامه‌ی مردان^{۲۵} است. در واقع این زیور از امتیازات خاص سلاطین مغول به شمار آمده که بعدها با ورود اروپائیان به دربار آنها، تغییراتی در طراحی آن ایجاد شد (Ali Sayed, 2015:21). به طور کلی، مغولان به دلیل علاقه‌ی خاصی که به زیورآلات داشتند حتی لباس‌های خود را نیز از پارچه‌های زربفت و ابریشمی می‌دوختند و بارشته‌های طلا و نقره، گلدوزی یا قلاب‌بافی و سنگ‌های قیمتی آذین می‌کردند (چترجی، روی، ۱۳۸۹: ۳۰). می‌توان گفت زیباترین نمونه‌های زیورآلات این دوره از سنگ‌های زمرد، یاقوت، مروارید و الماس ساخته می‌شده‌اند. رنگ سبز تیره زمرد با سنت اسلامی هماهنگی ژرفی داشت (Nigam, 1999:40) و لذا بر این عقیده بودند کسی که زمرد می‌پوشد ایمان دارد از لطف و حمایت خداوند برخوردار خواهد شد (2001:182). همچنین، الماس به عنوان نماد پاکی و ثروت (Ali Sayed: 2015:73,83) و، نیز مروارید از گذشته‌های دور جزء اساسی زیورآلات هندیان بوده، در کنار یاقوت سرخ که در فرهنگ آنان محترم دانسته شده که البته، به پیروی از تیموریان، برای یاقوت به ویژه رنگ قرمز تیره‌ی آن ارزش زیادی قائل بودند (Carvalho, 2010:40). این اعتقادات نه تنها نزد مردان، بلکه بانوان نیز، به تأسی از فرهنگ ایرانی- اسلامی، لباس‌های پوشیده به تن می‌کردند و تنها قسمت‌هایی از بدن را که در معرض دید قرار داشت، با انواع زیورآلات می‌پوشاندند. از جمله زیورهایی که

توسط زنان و مردان به طور یکسان استفاده می‌شده، می‌توان به گوشواره، گردن‌بند، دستبند، بازوبند و انگشتری‌ها اشاره کرد. در واقع، استفاده از گوشواره برای مردان از زمان جهانگیر باب شد (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۱۵)، علاقه‌ی او هنگامی شکل گرفت که به نشانه‌ی ارادت به خالق هستی، تصمیم گرفت گوش‌هایش را سوراخ کند (Carvalho, 2010:60). بعدها در دوره‌ی اورنگ زیب و حتی پس از آن، سوراخ کردن گوش مردان را نشانه‌ای از وفاداری دوستان و خادمان دربار دانسته‌اند (Jenkins, Keene, 2012:104). البته، گوشواره‌ی زنان، معمولاً پرکار و آویزدار بود و غالباً ساختاری شکوفه‌مانند از مروارید روی تمام گوش خود قرار می‌دادند (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۱۵). گردن‌بند‌های چندرشته‌ای مروارید و سنگ نیز در این دوره دیده می‌شود که مطابق با زیورآلات سنتی هندوستان بوده است. پیش‌تر بیان شد مهره‌ها در زیورآلات باستانی از محبوبیت ویژه‌ای برخوردارند که در عصر مغول، جای خود را به مهره‌هایی با طرح‌های گوناگون داده است. تصویر ۴ یک نمونه گردن‌بند مهره‌ای را نشان می‌دهد که برخلاف تصویر ۱، در اینجا یازده یاقوت سرخ به سبک تراش مغولی؛ نامنظم و بدون تقارن، جایگزین مهره‌های ساده‌ی گذشته شده‌اند. زیور طلسم، یکی دیگر از آویزهای رایج در بین آنان؛ با توجه به اینکه امپراتوران مغول اغلب با شاهزاده خانم‌های هندو وصلت می‌کردند، از این طریق، برخی از آیین‌های آنان را نیز می‌پذیرفتند از جمله زیور طلسم که ارتباط بسیاری با طالع‌بینی هندی نیز داشته است (2015:57). آویز جای دعا، زیور پرکاربرد دیگریست که؛ بیان شد سبک زیورآلات از دوره‌ی اکبر شاه، متأثر از هنر تیموری و صفوی بوده، لذا این نوع زیور که مورد توجه مسلمانان بوده (ibid: 56)، نفوذ فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد. همچنین، در نتیجه‌ی تأثیرات فرهنگ اسلامی در زیورآلات‌شان، نقوش گیاهی به عنوان رایج‌ترین مؤلفه‌ی تزئینی به شمار آمده، که هدف مغولان، نشان دادن باغ بهشتی بود که در قرآن کریم (مریم: ۶۱)، به آن وعده داده شده است. ناگفته نماند، چندین نقش مایه‌ی بدیع همانند ترکیب هلال ماه و ستاره نیز، به تدریج در تاروپود زیورآلات مغولان گنجانده شد. اگرچه استفاده از این نقوش، پیش‌تر در

هندوستان مرسوم بود، اما ترکیب این دو در کنار هم، نوآوری مغولان محسوب می‌شود (Bhushan, 1964:81) که با توجه به اعتقادات اسلامی و ارتباط ستاره و ماه با تقویم قمری، آن را بیشتر به عنوان نمادهای اسلامی به کار می‌بردند (Ali Sayed, 2015:17).

انگشتری‌ها؛ یکی دیگر از محبوب‌ترین زیورآلات، که زنان و مردان مغول، نمونه‌هایی از الماس، زمرد و دیگر سنگ‌های قیمتی، معمولاً در تمام انگشت‌های خود می‌پوشیدند. با توجه به اینکه آنان به شدت تحت تأثیر خرافات بومی قرار داشتند لذا، استفاده از انگشتری‌ها را در ارتباط با اجرام آسمانی و طالع‌بینی هندو (ibid:40) می‌دانستند. البته این احتمال نیز وجود دارد که ممکن است آنها، نمادهای سلطنتی بوده‌اند. همچنین، حکاکی نام و لقب حاکمان مغولی بر روی سنگ‌ها را؛ برگرفته از سنت خاندان تیموری (Carvalho, 2010:39)، به منظور تداوم اصل و نسب خود انجام می‌دادند و با انتقال سنگ از نسلی به نسل دیگر، الحاقاتی نیز به آن اضافه می‌نمودند. صرف‌نظر از انگشتری‌های سلطنتی و، شست کماندار^{۲۶}؛ متأثر از ایران (ibid: 96)، انگشتری‌های مَهر یا مَهرانگشتری نیز نزد آنان کاربرد داشته است. مطابق تصویر ۵، بر این مَهرانگشتری از سنگ زمرد، شعری به زبان فارسی؛ متأثر از فرهنگ ایرانی، و به صورت معکوس حکاکی شده است. با توجه به مضمون این کتیبه: «ای بلبل ما را بهار بشارت»، به وضوح بیانگر نوروز و یا آغاز سال نو بوده که از یک سو؛ زمرد را نماد بهار و تولد دوباره دانسته‌اند (URL2) و از سوی دیگر، ممکن است مَهری بوده برای برچسب‌زدن بر هدایای نوروزی و یا هدیه‌ای برای یک رویداد مهم همانند تولدی که در نوروز اتفاق افتاده باشد (Stronge, et al, 1988:95). همچنین حلقه‌ی طلائی آن در دو طرف، از شش مار کبری؛ نقش مایه‌ای باستانی در هندوستان، ساخته شده که زمرد را در میان گرفته‌اند. وجود این نقش مایه در کنار کتیبه‌ای به فارسی، ترکیب سبک هندو-ایرانی را در این زیور نشان می‌هد. البته با توجه به فرم دندان‌هوار در پایه‌ی طلائی اطراف زمرد که برگرفته از فرهنگ اروپاییست (Barnard, 2008:102). احتمال دارد که این زیور در اواخر عصر مغول ساخته شده باشد. در ادامه‌ی سلطنت مغولان و در زمان اورنگ زیب

محدودیت‌هایی برای ادیان ایجاد شد تا آنجا که، فقط مسلمانان حق حضور در دربار را داشتند (2011:480, Basham). که، این امر چندان تأثیری در کاربرد انواع زیورآلات نداشته؛ حتی تعدادی از زنان هندو که ظاهراً به اسلام گرویده بودند همچنان در عمل، به استفاده از زیورآلات پای‌بند بودند (هالاید، گوتس، ۱۳۹۱: ۵۱). شایان ذکر است در عصر مغولان، ورود اروپائیان از قرن هفدهم میلادی، سبب افزایش تجارت شد تا جایی که، قدرت‌های اروپایی برای به دست آوردن امتیازات بازرگانی در سرزمین حاصلخیز هندوستان با کسب اجازه از امپراتور مغول با یکدیگر رقابت می‌کردند (BaIaKrishnan, Kumar, 2001: 114). لذا حضور اروپائیان در هنر و صنایع آنان نیز تا حدودی تأثیرگذار بوده است. در واقع، فرم آویز تصویر ۶ که هیچ‌گونه شباهتی به نمونه‌های سنت هندو-اسلامی در دربار مغول ندارد گویای این امر می‌باشد. می‌توان گفت این زیور متأثر از فرهنگ مسیحی در عصر مغولان ساخته شده زیرا، کبوتری با بال‌های باز را، نمادی از مسیحیت به ویژه مذهب کاتولیک در غرب دانسته‌اند (2010:76, Carvalho). لیکن در کنار نفوذ فرهنگ غربی، همچنان می‌توان تأثیرات سبک تلفیقی هندو-ایرانی را در میناکاری این آویز به رنگ قرمز مشاهده نمود که، یکی از رنگ‌های غالب در میناکاری مغولان (1988:48, Stronge, et al) شناخته شده است. به طور کلی، با توجه به نمونه‌های بررسی شده از زیورآلات این دوره (جدول ۲)، می‌توان نتیجه گرفت که، اگرچه، سادگی فرهنگ مسلمانان به تدریج تحت تأثیر خرافات هندوها و فرهنگ غربی قرار گرفت لیکن، زیورسازان مغولی، متأثر از فضای تشیع ایرانی و سبک هنری هندو، عناصر بومی و اسلامی را با نظم و ترتیبی یکسان و بدون تفاوت در کنار هم قرار داده؛ و اثری چشم‌نواز را ایجاد کرده‌اند.

جدول ۲. مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات دوران قرون وسطایی هندوستان (نگارندگان).

گونه‌شناسی	تصویر ۴: گردن‌بند طلا، یاقوت سرخ و الماس	تصویر ۵: انگشتری مهر	تصویر ۶: آویز طلا با میناکاری
دوره / مکان	مغول، اوایل قرن ۱۷ م	مغول، احتمالاً جنوب هند، قرن ۱۸ م	مغول، جنوب هند، اوایل قرن ۱۷ م
محل نگهداری	—	موزه ویکتوریا و آلبرت	موزه گیمت، پاریس
منبع	Bala Krishnan, Kumar, 2001: 113	Stronge, et al, 1988: 95	Carvalho, 2010: 76
نمونه مطالعاتی			
مؤلفه فرهنگی	بزرگی سنگ‌ها و کاربرد مهره و الماس به سیاق زیورآلات باستانی. تراش نامتقارن به سبک مغولی، کاربرد یاقوت سرخ متأثر از فرهنگ بومی و نیز عصر تیموری.	رواج نقش‌مایه سنتی هندو و زمرد متأثر از فرهنگ اسلامی، حکاکی درون سنگ‌ها برگرفته از سنت تیموری، فرم دندان‌هوار در پایه‌ی اطراف زمرد متأثر از فرهنگ اروپایی.	کاربرد طلا به سبب جایگاه سنتی آن. میناکاری به رنگ قرمز تیره برگرفته از فرهنگ تلفیقی مغولی-ایرانی و کبوتر نمادی از فرهنگ مسیحیت.

زیورآلات دوران استعمار هندوستان

همواره، قلمروی خانان مغول در سده‌های ۱۷-۱۸ میلادی، برای اروپا نوعی سرزمین افسانه‌ای با ثروت عظیم و جواهرات غیر قابل تخمین بود (شیمل، ۱۳۸۶: ۱۱). در واقع، این گنجینه‌های غنی، انگیزه‌ی اصلی مهاجمان اروپایی را فراهم آورد (Bhandari, 2015: 18). لیکن، شواهد آن روزگار نشان می‌دهد که پس از سقوط امپراتوری مغول، بریتانیا با حضور خود در شبه قاره، گام‌های فعالی برای تغییر جامعه و فرهنگ هندوستان برداشت. با توسعه‌ی قدرت بریتانیا در بیشتر مناطق هندوستان، حمایت اشراف‌زادگان نیز از زیورسازان کاهش یافت. لذا، از یک سو، زیورسازان همانند دیگر هنرمندان، تحت تأثیر اروپائیان قرار گرفتند و از سوی دیگر، زیورآلات و منسوجات بریتانیایی نیز وارد بازار هندوستان شدند (Peers, 2013: 6). بریتانیا، این سرزمین را برای ارتقای منافع خود، منبع تأمین مواد خام برای صنایع و نیز بازاری برای تولیدات خود فتح کرده بود که منجر به از بین رفتن هنر و صنایع بومی هندوستان شد. قابل ذکر است در ۱۸۵۳ م، کمپانی هند شرقی، مدرسه هنرهای صنعتی؛ اولین مدرسه از چهار مدرسه هنری (Carvalho, 2010: 175)، در ایالت مدرس^{۲۷} هندوستان را نیز دایر کرد که تأثیر قابل توجهی بر طراحی و شکل‌گیری زیورآلاتی مطابق سلیقه‌ی بریتانیا داشته است. ناگفته نماند از اواخر ۱۸۶۰ م، تأثیرات بومی شبه قاره نیز به نوعی در زیورآلات آن نقش داشته است (Barnard, 2008: 102).

در اینجا انگشتر تصویر ۷ به ظاهر می‌تواند بیانگر ویژگی‌های زیورآلات سنتی هندوستان باشد لیکن، شیوه‌ی ساخت پایه‌ی آن برای قراردادن یاقوت کبود، اروپائیسست. در واقع، فرمی با دندان‌ها و یا پنجه‌ی باز برای سنگ و نگین زیورآلات، تا قبل از ظهور بریتانیا در هندوستان ناشناخته بوده (Bhushan, 1964: 125)؛ همچنین عامل دیگری از تأثیر فرهنگ غربی در اینجا، رنگ آبی یاقوت کبود است. به طور کلی، آبی به عنوان رنگ سلطنتی که مورد توجه در زیورآلات ویکتوریایی بوده و به ندرت در زیورآلات هندوستان و میناکاری‌های آن دیده شده (Barnard, 2008: 93)، در اینجا، جایگزین رنگ قرمز محبوب زیورآلات مغولان شده است. و نیز، «تراش مغولی» در زمانه‌ی حضور بریتانیا، جای خود را به سنگ‌های تراش خورده‌ی کوچک‌اندازه و متقارن داده است (Bhushan, 1964: 82). یکی دیگر از مهم‌ترین تأثیرات بریتانیا در زیورآلات هندوستان که تا پیش از این، به آن توجهی نشده، ساخت زیورآلات با فرم و یا نقش مایه‌هایی همانند پروانه، صلیب، گل رز، سنجاک و همچنین، سنجاک سینه از عناصر محبوب زیورآلات ویکتوریایی (Barnard, 2008: 78) می‌باشد که یا در کارگاه‌های بریتانیایی در هندوستان و زیر نظر آنها و، یا توسط هنرمندان هندی و با تقلید از مدل‌های اروپایی ساخته می‌شدند (تصویر ۸). لازم به ذکر است، این زیور، اگرچه بیانگر ذائقه‌ی اروپایی در شبه قاره بوده لیکن، ابعاد بزرگ سنگ‌ها در مرکز سنجاک سینه و

نیز، پهنای بال‌های سنجاچک از دو طرف، ریشه‌ی بومی آن در تمایل به ابعاد بزرگ را نشان می‌دهد. البته، تکنیک ساخت آن؛ استفاده از مفتول‌های طلا به شکل پیچیده و منحنی در ترکیب با سنگ‌های ریز، مشخصه‌ی هنر اروپایی می‌باشد (ibid). همچنین، اروپایی‌ها، ساکنان محلی را وادار می‌کردند تا به جای طلا، فلز نقره را برای ساخت زیورآلات نگین‌دار به کار گیرند. حال آنکه هندیان، برای طلا و حفظ حرمت الهه‌ی لاکشمی، قرن‌ها از نقره به عنوان زیور استفاده می‌کردند و حتی در برخی مواقع، آن را مناسب فقرا و خدمتکاران می‌دانستند (2015:43,51). Khalid). در نهایت، برتری بریتانیا، در قرن بیستم، منجر به القای فرهنگ و ورود سبک‌های اروپایی به زیورآلات هندوستان شد. در این بین، ثروت بسیار و اشتیاق سیری‌ناپذیر و همچنین علاقه‌ی مهاراجه‌ها و شاهزادگان هندی برای اروپایی‌شدن، سبب شد تا در این زمان، شبه‌قاره هند به مکانی برای سازندگان و فروشندگان زیورآلات اروپایی تبدیل شود. از جمله‌ی آنها، بولگاری^{۲۸} و کارتیه^{۲۹} با توجه به علاقه‌ی اشراف‌زادگان هندی، کسب‌وکارهایی را در دهلی و دیگر بخش‌ها ایجاد کرده (Bala Krishnan, 2001:57). و این امتیاز را به دست آوردند که برای شان، زیورآلاتی بسازند. به عنوان نمونه حضور کارتیه در ۱۹۱۱م با ساعت‌های جیبی برای مهاراجه‌ها آغاز شد (ibid:206) (تصویر ۹). ساعت‌های جیبی که در آغاز قرن بیستم، بسیار مورد استفاده‌ی اشراف‌زادگان هندی قرار داشته به طور کامل، بیانگر حضور فرهنگ غربی در زیورآلات هندوستان می‌باشد. در نقش مایه‌ی این زیور، به جز گردن‌بندهای چندرشته‌ای به دور گردن مهاراجه در نمای روبه‌روی ساعت، میناکاری و نقش مایه‌ی فیل؛ از نمادهای شاخص در هنر هندوی و بودایی، در نمای پشت آن، سایر عناصر از جمله زیور عمامه‌ی او، برگرفته از سبک اروپایی بوده است. همچنین، تصویر مهاراجه بر روی آن همانند تصاویر اشراف‌زادگان اروپایی، که پیش‌تر، جایگاهی در زیورآلات هندوستان نداشته، در قرن بیستم، به عنوان یکی از نقش مایه‌های اصلی در زیورآلات آنان تبدیل شده بود. به طور کلی؛ سرزمین هندی که کمپانی هند شرقی تصرف کرد، به عنوان نگین درخشان دوره‌ی قرون

وسطی به شمار می‌آمده است. حال آنکه، شواهد نشان می‌دهد هندوستان در اثر سیاست‌های اقتصادی بریتانیا، تبدیل به کشوری فقیر شد (Peers, 2013:4)؛ که نفوذ فرهنگ دیگری، باعث کمرنگ‌شدن فرهنگ بومی آنها (جدول ۳) و در نتیجه، تعطیلی صنایع آن نیز گردید. در نهایت، با جنبش استقلال طلبی، هندوستان در مبارزات خود علیه بریتانیا در ۱۹۴۷م، توانست به پیروزی بزرگی دست یابد (1971:304,305). Chandra). در این مبارزات، هنرمندان نیز، برای حفظ اصالت هنرهای هندی مبارزه کردند و سرانجام، توانستند بر اساس زیبایی‌شناسی خاص خود جایگاه ویژه‌ای به دست آورند که دیگر، نیازی به افزودن عناصر اروپایی برای مشروعیت بخشیدن به ارزش هنری خود در جهان غرب نبود. و لذا، پس از استقلال هندوستان، با احیای سنت‌های ملی که منجر به کنار گذاشتن الگوهای غربی در صنایع آنان شد، هندیان بار دیگر به زیورآلات سنتی خود، به ویژه زیورآلات عصر مسلمانان مغول روی آوردند (Bhushan, 1964:82,94).

جدول ۳. مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری زیورآلات دوران استعمار در هندوستان (نگارندگان).

گونه‌شناسی	تصویر ۷: انگشتر یاقوت کبود	تصویر ۸: سنجاق سینه سنجاک	تصویر ۹: ساعت جیبی طلا
دوره / مکان	بنگال یا کلکته، ۱۸۵۰م	مدرس، ۱۸۵۰م	در حدود ۱۹۳۰م
محل نگهداری	موزه ویکتوریا و آلبرت	موزه ویکتوریا و آلبرت	مجموعه‌ی حراجی کریستیز
منبع	Stronge, et al, 1988: 96	ibid: 104	URL1
نمونه مطالعاتی			
مؤلفه فرهنگی	ابعاد بزرگ سنگ، فلز طلا، و حکاکی بر آن ناشی از فرهنگ‌های پیشین. پایه‌ی آن برای قراردادن یاقوت کبود، رنگ آبی سنگ و تراش متفان، متأثر از زیورآلات بریتانیا.	ابعاد بزرگ سنگ‌ها و پهنای بال‌های سنجاک، نشانگر سبک بومی. سنجاق سینه و نقش‌مایه سنجاک و تکنیک ساخت آن مشخصه‌ی هنر اروپایی.	فلز طلا و نقش‌مایه‌های روی ساعت: گردن‌بند چندرشته‌ای مروارید، میناکاری و فیل متأثر از فرهنگ سنتی. کمرنگ‌شدن سبک زیورآلات بومی، علاقه‌ی مهارچه‌ها و شاهدگان برای اروپایی‌شدن، ورود زیورآلات اروپایی و فروش زیورآلات آنان در بازار هند، تصویر مهارچه و زیور عمامه متأثر از فرهنگ استعمار.

نتیجه‌گیری

هنرمندان بار دیگر، بن‌مایه‌های سنتی متأثر از نفوذ فرهنگ گذشته و نیز سبک تلفیقی مغولی را در کنار فرهنگ غربی به کار برده‌اند. در واقع هنرمندان هندی، جهان زیورآلات را به یاری مؤلفه‌هایی شکل داده‌اند که مفاهیم خود را از بافتارهای فرهنگی جامعه‌ی متکثر هندوستان به عاریت گرفته است. جامعه‌ای با حضور هم‌زمان فرهنگ‌های مختلف به گونه‌ای که، فرهنگ‌های پیشین در هندوستان از میان نرفته، بلکه به دنبال تحولات تاریخی - فرهنگی آن ادامه یافته که، در سبک زیورآلات آن نیز می‌توان تلفیقی از فرهنگ‌ها را مشاهده کرد. در نتیجه، مؤلفه‌هایی برگرفته از فرهنگ‌ها، یعنی حضور عناصر فرهنگ «مغولی (هندو-اسلامی)»، «بریتانیا»، «ایرانی» و «یونانی» عهد باستان، در قالب بن‌مایه‌هایی سازنده در شکل‌گیری صورت زیورآلات شبه‌قاره؛ بیانگر این امر بوده که محتوای زیورآلات علاوه بر فرهنگ بومی هندوستان، مدیون حضور فرهنگ‌های دیگری نیز بوده است. و لذا، می‌توان آنها را به عنوان رسانه‌ای فرهنگی در نظر گرفت که یادآور فرهنگ غنی شبه‌قاره و تغییراتی که در ادوار مختلف تمدن این سرزمین ایجاد شده، می‌باشند.

شناخت و تبیین مهم‌ترین عناصر شکل‌گیری زیورآلات هندوستان از عهد باستان تا دوره‌ی استعمار، از اهداف اصلی در این پژوهش به شمار آمده است. که با نگاهی به آنها به عنوان بخشی از یک تمدن کهن، مشخص گردید که زیورآلات شبه‌قاره در همه‌ی اعصار فراتر از تزیین بدن به شمار آمده و نزد مردمان آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده؛ به گونه‌ای که همواره جنبه‌های بسیاری از فرهنگ مردمان هندوستان را، به مخاطب خود منتقل کرده است. به طور کلی، جریان‌های تاریخی، گسترده‌ی فرهنگ و در نتیجه تغییر در سبک زندگی و سلیقه‌ی جامعه در شبه‌قاره، بر شکل‌گیری شیوه‌های جدید زیورآلات نیز تأثیر داشته است. هنرمندان نیز همواره، سعی نموده‌اند تا اثری متناسب با فرهنگ جامعه‌ی هندوستان ایجاد کنند، زیرا زیورآلات با بن‌مایه‌ی خود در هر جامعه‌ای، توانسته ابزاری برای بازتاب هویت فرهنگی به شمار آید. در این راستا، در زیورآلات هندوستان از گذشته تحولات عمده‌ای شکل گرفته که تأثیرات فرهنگ هندو-اسلامی و سلطه‌ی انگلیس بیش از همه در آثار صنعتگران هندی قابل مشاهده بوده است. اگرچه، در پی استعمار و کمرنگ‌شدن هویت فرهنگی هندو و مغولی، با تغییر در سبک طراحی مواجه بوده‌ایم. اما پس از جنبش استقلال‌طلبی هندوستان، با احیای سنت‌های ملی،

- قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران. قلم و اندیشه.
- اهتمام، حامد. (۱۳۹۲). *بررسی الگوهای ارتباطات میان فرهنگی اسلام و مسیحیت با تأکید بر قرآن کریم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی. دانشکده علوم سیاسی. اجتماعی و تاریخ. دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- ایونس، ورونیکا. (۱۸۳۱). *اساطیر هند*. ترجمه باجلان فرخی. تهران. اساطیر.
- بارکر، کریس. (۶۹۳۱). *مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد*. ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی. تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برانسون، اسکار تی. (۱۳۹۱). *زیورآلات هندی*. ترجمه مینا مهدلو. تهران. برگا.
- بلالی مقدم، آلاله. (۱۳۹۲). بیان مفاهیم در طراحی جواهرات. *فصلنامه علمی-آموزشی و پژوهشی*. سال ۱. شماره ۳. ۳۳-۴۰.
- پورجعفری، محبوبه. (۱۳۹۶). *بررسی تاریخ‌نگاری در هند از ورود اسلام تا گورکانیان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته تاریخ تشیع. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه ایلام.
- چترجی، مانیتی، روی، آنیتا. (۱۳۸۹). *تاریخ فرهنگ و تمدن هند*. ترجمه رضا آقابابا دستجردی. تهران. سیزان.
- چیت‌ساز، شقایق. (۱۳۹۸). *مطالعه روابط گفتمانی موتیف‌های زیورآلات معاصر*. پایان‌نامه دکتری. رشته پژوهش هنر. دانشکده هنر. دانشگاه الزهرا (س). تهران.
- دادور، ابوالقاسم، منصور، الهام. (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*. تهران. کلهر و دانشگاه الزهرا.
- ذکرگو، امیرحسین. (۱۳۷۲). *ردپای هنر ایران در فرهنگ هند. نامه فرهنگ*. شماره ۱۰ و ۱۱. ۱۳۷-۱۳۰.
- ذکرگو، امیرحسین. (۱۳۸۵). *هنر دینی در آینه متون کهن هند و آراء کوماراسوامی. فصلنامه خیال*. شماره ۲۰. ۲۳-۴.
- ذکرگو، امیرحسین. (۱۳۹۴). *اسطوره‌شناسی و هنر هند*. تهران. مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- رحمانی، جبار. (۱۳۹۱). *مناسک و آیین‌های شیعی در هند*. تهران. خیمه.
- روجک، کریس. (۱۳۹۰). *مطالعات فرهنگی*. ترجمه پرویز علوی. تهران. ثانیه.
- سیاری، نادیا. (۱۳۹۶). *بررسی تأثیر هنر اسلامی هند بر هنر هندوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته پژوهش هنر. دانشکده علوم پایه و فناوری‌های نوین. دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی تهران.
1. Ananda Coomaraswamy
۲. فلزی مقدس، که از عهد باستان، زیورآلات هندوستان را با آن می‌ساختند و همواره، طلا برای زیورآلات آئینی، بسیار مقدس و فرخنده بوده و دارای قدرت تزکیه و نمادی از سلامتی، ثروت لکشمی بوده است (Kaur, 2012:4-7).
- Lakshmi. همسر ویشنو؛ خدای نگه‌دارنده در تثلیث هندویی، که وی را ایزدبانوی اقبال و ثروت برشمرده‌اند (ذکرگو، ۱۳۹۴: ۸۲).
3. Women and jewelry- The traditional and religious dimensions of ornamentation
4. Prabhijot Kaur
5. Indian jewellery, Dance of the peacock
6. Meera Sushil Kumar
7. Usha Ramamrutham Bala Krishnan
8. Mohan Lal Nigam
9. Mohenjo-daro
10. Indus
11. Harappa
12. Mauryan
13. Asuka/ Asoka
۱۴. با توجه به اینکه، آشوکا به آیین بوداگرویده بود، به نظر می‌رسد که هنر دوره موریانی هند باید تحت تأثیر هنر بودایی باشد (ولایتی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).
15. Shunga
16. Kushan
17. Taxila
18. Sirkap
۱۹. Garnet: سنگی به رنگ قرمز یا قوتی که در زبان فارسی به آن لعل می‌گویند، نخستین بار توسط یونانیان شناخته شده است.
20. Aphrodite
21. Gupta
22. Chola
23. Thamil Nadu
24. Vijayalaya
۲۵. شاه عباس، یک زیور عمامه به نام جیگا یا همان جقه به همراه یاقوت حکاکی شده و یک پر تزیینی با مروارید معلق در نوک آن به ارزش ۵۰ روپیه، به نشانه دوستی برای جهانگیر شاه فرستاد که ابتدا پادشاهان و سپس نجیب‌زادگان از آن استفاده کردند (Nigam, 1999: 44- 45).
26. Zihgir
27. Madras
28. Bulgari
29. Cartier
- بدین وسیله از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر طاهر رضازاده و سرکار خانم دکتر اکرم محمدی‌زاده در انجام این پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

- ships of contemporary jewelerys' motifs*, Ph.D dissertation, Faculty of Art, Alzahra University, (Text in Persian).
- Dadvar, A., Mansouri, E. (2011). *An introduction to the myths and symbols of Iran and India in ancient times*, Tehran: Kalhor and Alzahra University, (Text in Persian).
- Dave, Dushyant. (2013). Significance of motifs in Kundan- Meena jewellery, *Abeer research journal*, 1- 8.
- Ehtemam, H. (2013). *Holy Koran's Pattern in the Cultural Communication of Islam and Christianity*, M.A dissertation, Baqir al-Olum University. (Text in Persian).
- Hallide, M., Goetz, H. (2012). *Iranian art history (4); Indo-Iranian- Indo-Islamic art*, Translated by Yaghoub Azhand, Tehran: mola, (Text in Persian).
- Ions, V. (2002). *Indian mythology*, Translated by Farrokhi, Tehran: Asatir, (Text in Persian).
- Jenkins, Marilyn, Keene, Manuel. (2012). *Islamic jewelry in the Metropolitan museum*, New York: The Metropolitan museum of art.
- Kaur, P. (2012). Women and jewelry- the traditional and religious dimensions of ornamentation, *Research gate*: 2- 15.
- Khalid, K. (2015). Gems & jewels of India (socio political study within historical context), *JRSP*, Vol 52, No 1, 27- 55.
- Marzban, P. (2007). *A summary of the history of art*, Tehran: Elmifarahangi, (Text in Persian).
- Moin, M. (1985). *Persian Dictionary*, Vol 2, Tehran: Sepehr, (Text in Persian).
- Mojtabai, F. (2010). *Hindu Muslim cultural relations*, Translated by Abolfazl Mahmudi, Tehran: Iranian Research Institute of Philosophy, (Text in Persian).
- Nigam, M. L. (1999). *Indian jewellery*, New Delhi: Roli books.
- Peers, D. M. (2013). *India under colonial rule 1700-1885*, London and New Delhi: Routledge.
- Pourjafari, M. (2017). *Historiography in India from arrival of Islam up to the Mughal period*, M.A dissertation, Faculty of Humanities, Ilam University, (Text in Persian).
- Rahmani, J. (2012). *Shi'a rituals and rituals in India*, Tehran: Kheime, (Text in Persian).
- Rani, P, Singh, V. (2013). Traditional to contemporary Indian jewellery: a review, *GRA (Global research analysis)*, Vol 2, No 1, 87- 88.
- Rojek, C. (2011). *Cultural studies*, Translated by Parviz Alavy, Tehran. Sanieh, (Text in Persian)
- Sayyari, N. (2017). *Study of Islamic art effect on Hindu art in India*, M.A dissertation, Islamic Azad University, E- Branch. (Text in Persian).
- Schimmel, A. (2007). Im Reich der Großmoguln (German), Translated by Samicee, Tehran: Amir Kabir, (Text in Persian).
- Stronge, S, Smith, N, Harle, J. C. (1988). *A golden treasury: Jewellery from the Indian subcontinent*, New York: Rizzoli international publications in association with the Victoria and Albert museum and Grantha corporation.
- شیمیل، آنه ماری. (۱۳۸۶). *در قلمروی خانان مغول*. مجتبیائی، فتح‌الله. (۱۳۸۹). *پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوره اسلامی*. ترجمه ابوالفضل محمودی. تهران. مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مرزبان، پرویز. (۶۸۳۱). *خلاصه تاریخ هنر*. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- معین، محمد. (۴۶۳۱). *فرهنگ فارسی*. جلد ۲. تهران. چاپخانه سپهر.
- ولایتی، رحیم. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیرپذیری امپراتوری موریائی هند از هنر معماری هخامنشیان. *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*. دوره ۶. شماره ۱۹. ۱۷۴-۱۷۹.
- هالاید، مادلین، گوتس، هرمان. (۱۳۹۱). *تاریخ هنر ایران (۴): هنر هند و ایرانی- هند و اسلامی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران. مولی.
- یاقوتی، سپیده، دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی سیر تحول و تطور زیورآلات ایران در دوره هخامنشی و اشکانی. *فصلنامه جلوه هنر*. سال ۱۲، شماره ۴. ۹۷-۱۰۹.

References

- Quran. Translated by Mehdi Elahi Ghomshei, Tehran: ghalam and andisheh, (Text in Persian).
- Ali Sayed, N. (2015). *Mughal jewellery; A sneak peek of jewellery under Mughals*, India: partridge.
- Bala Krishnan, U. R. (2001). *Jewels of the Nizams*, New Delhi: department of culture, government of India.
- Bala Krishnan, U. R. (2001). *Jewels of the Nizams*. New Delhi: department of culture, government of India.
- Bala Krishnan, U. R, Kumar, M. S. (2001). *Indian jewellery, Dance of the peacock*, India: India book house limited.
- Balali Moghaddam, A. (2013). Expressing concepts in jewelry design, *pajouheshonar*, 1 (3), 33- 40, (Text in Persian).
- Barker, Ch. (2017). *Cultural studies: theory and practice*, Translated by Mehdi Faraji & Nafiseh Hamidi, Tehran. iscs, (Text in Persian).
- Barnard, N. (2008). *Indian jewellery; The V&A collection*, New Delhi: Timeless book.
- Basham, A. L. (2011). *The wonder that was India*, New York and London: Grove press.
- Bhandari, V. (2015). *Jewelled textile- gold and silver embellished cloth of India*, New Delhi: books international.
- Bhushan, J. B. (1964). *Indian jewellery, ornaments and decorative design*, D. B. taraporevala sons.
- Branson, O. T. (2012). *Indian jewelry*. Translated by Mina Mahdlo, Tehran. Barga, (Text in Persian).
- Carvalho, Pedro Moura (2010). *Gems and jewels of Mughal India*, London: The nour foundation.
- Chandra, B. (1971). *Modern India*, New Delhi: National council of educational research and training.
- Chatterjee, M., Roy, A. (2010). *History of Indian culture and civilization*, Translated by Reza Aghababa Dastjerdi. Tehran: Sabzan, (Text in Persian).
- Chitsaz, S. (2019). *Studying the Discursive relation-*

- Toomy, Ting, Chung, L. C. (2012). *Understanding intercultural communication*, New York: oup.
- Velayati, R. (2014). The Analysis of Indian Muria Empire affected from Achaemenid's architecture art, *Journal of Subcontinent researches*, 6(19), 149-174, (Text in Persian).
- Yaghouti, S., Dadvar, A. (2021). A Comparative Study of Iran during the Achaemenid and Parthian change and evolution jewelry, *Journal of Glory of Art(jelve-y-honar)*, 12(4), 97- 109, (Text in Persian).
- Zekrgoo, A. H. (1993). *Nameh Farhang*, 10, 11, 130-137, (Text in Persian).
- Zekrgoo, A. H. (2006). Religious Art in ancient Indian texts and Coomaraswamy's ideas, *Khyal*, 20, 4- 23, (Text in Persian).
- Zekrgoo, A. H. (2015). *Indian Mythology and art*, Tehran: matn, (Text in Persian).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Cultural Evolution Of Indian Jewelry From Ancient Times To The Colonial Era

Zahra Mehdipour Moghaddam²
Shahryar Shokrpour³

Received: 2023-02-07
Accepted: 2023-08-30

Abstract

From the past until now, jewelry as a tool to express beauty indicates the desire of early humans to adorn themselves, to be more beautiful, and to show surrounding objects much prettier in their life that gave much importance to it. Jewelry has been considered a cultural- civilization or class symbol of any society, which not only reflects adornment and wealth, but also indicates cultural changes throughout the history. In general, since the formation of civilized human communities, the art of jewelry making has been a crucial component of the cultures of societies to the extent that the desire to decorate has been observed in every civilization. In this regard, the Indian subcontinent, as a country full of precious stones and jewel, has always been the center of commercial communications of ornaments, especially gold and precious stones. Indeed, Indian jewelry that its use dates back to more than 5000 years ago as a part of an ancient civilization, regardless of the ornamental element that has enhanced the beauty and wealth of the dwellers of the subcontinent, it expresses the concept of sanctity and their beliefs, as well as strength and health for its owners. In other words, "Alamkara" is a term in the Sanskrit language and it is also dating back to Vedic period, which has a meaning beyond the concept of beauty. Thus, this shows the point that Indian jewelry has a symbolic value beyond the concept of beauty, which is rooted in the beliefs and cultural relations of the pluralistic society of India. It can be said that one of the distinguishing features of Indian jewelry is its form and themes. Indeed, many aspects of the culture of the people of that country have been transferred to the audience via the themes, and as a sacred symbol, it indicates individual identity and the social status of those using it. Therefore, it can be stated that the important and distinctive forms and elements of these jewelries

1. DOI: 10.22051/JJH.2023.42859.1933

2. Zahra Mehdipour Moghaddam, PhD of Islamic Arts, Faculty of Islamic Crafts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran, Corresponding Author.

Email: z.mehdypour@tabriziau.ac.ir

3. Shahryar Shokrpour, Assistant Professor, Faculty of Islamic Crafts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Email: sh.shokrpour@tabriziau.ac.ir

are an intrinsic component of Indian culture, which have an importance beyond apparent adornment and decoration. For Indians, in fact, jewelry is considered as a complement to their traditional clothes, which has magical power in order to obtain a good destiny and future, it and eliminate evil and cure diseases. In general, the most important reasons for the attention of Indian residents to jewelry from ancient times is as follows: the desire for beauty, communication, protection of the individual and his family, religious and ethnic beliefs, the tendency to achieve a high social status, showing power and self-sufficiency, cure illness, symbol of happiness and marital status, etc. Hence, suggesting these issues in jewelry is possible using metals, especially gold, all kinds of special designs, roles and patterns, which express the tradition and culture of the people of the subcontinent. Therefore, the present study attempts to take into account the constituent components in the jewelry of the subcontinent with their historical study, and to know how the cultural relations have emerged in the production of Indian jewelry. So, the goal is to recognize and explain these cultural trends and also to find the main and most important elements and basics that have played a crucial role in the formation of Indian jewelry. The findings of the present study are collected based on the descriptive-content analysis method using cultural relations in India and the library method is also used and the cultural processes in the formation of ornaments from ancient times to colonial times has been considered. In this research, it is attempted to examine the role of culture in the existence of Indian jewelries in three parts: ancient, medieval and colonial, by considering the historical order of the formation of governments. It is worth to mention that the dating of ancient Indian ornaments is very difficult because, on the one hand, the styles and designs continued to exist in each period with little changes. On the other hand, considering that in historical periods, they were often melted for reuse or looted and destroyed after invading tribes. Thus, due to the lack of documentary evidence in this field, it can be stated that the most reliable documents and evidence to recognize the ornaments of the early periods of ancient India can be found in statues, wall paintings and ancient texts of the subcontinent. So, the studied works and samples in this research are selected on the basis of purposeful sampling strategies, works from various states of India only from gold metal. Finally, 9 examples of the important ones have been selected and analyzed. From the past, Indians have believed that most of the ornaments used should be made of metals, especially gold, because otherwise, it has no importance in terms of treatment and increasing awareness. Generally, in Indian culture, gold is considered sacred and auspicious as jewelry, especially religious and ritual types, and has the ability to refine and is considered a symbol of health, wealth and Lakshmi (Hindu goddess). The findings of the present study examined the ornaments of India from ancient times to the colonial era as a part of an ancient civilization, and it was found that the jewelry of the subcontinent has been regarded more than ornamenting the body throughout the history. In the traditional culture of India, jewelry has had a special position among its people due to its relationship with wealth, health, being immune from disasters, the medium of prayers worshipping gods and goddesses, and as considering it as offering of vows to the gods, it has always transferred many aspects of the culture of the people of India to its audience. The historical trends, the culture spread and the change in the thought, lifestyle and taste of the society in the continent has affected the formation of new jewelry styles. Artists have always attempted to create a work that is in accordance with the Indian society culture, because, ornaments with their theme in any society can reflect the cultural identity of the society. Hence, there have been major developments in making Indian jewelry, and the effects of the Hindu-Islamic culture, British rule, and the industrial revolution can be highly visible in the works of Indian artisans. As a result of the British colonization of India and the weakening position of the Hindu cultural identity, and the integrated culture of the Mughal era, we have encountered some changes in the design style. However, after the independence movement of India,

with the revival of national traditions, artists have once again applied traditional and historical elements affected by the past culture, as well as the combined Mongolian style along with the western culture. Indian artists have formed the world of jewelry using components that have borrowed their components, elements and concepts from the cultural contexts of the plural Indian society. A community with the simultaneous presence of different cultures as the previous cultures in India has not been removed, but they have been formed along with its historical and cultural developments. India as a country with different cultures and people, there has always been a mixture of different cultures, thoughts and interpretations of beauty in the role, the method of making and the style of its jewelry. As a result, elements and components taken from cultures, namely the presence of elements of "Mughal (Hindu-Islamic)", "British", "Iranian" and "Greek" cultures of ancient times, in the form of constructive themes in the formation of sub continental ornaments has shown that the content of ornaments, besides the indigenous culture of India, has also been affected by the presence of other cultures as well. Therefore, they can be considered as cultural media reminding the rich culture of the subcontinent and the changes that have been made in different periods of civilization in this country.

Keywords: Cultural Relations, Jewelry, India, Historical Developments.

